

## نگرشی فقهی بر ضرورت فرزندآوری در سبک زندگی اسلامی با

### تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

ساجده عبدالخانی<sup>۱</sup>، مریم برقی<sup>۲</sup>

#### چکیده

فرزندآوری برای بقای نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت مسلمانان از گذشته تاکنون از دغدغه‌های عالمان دینی و کارشناسان خانواده و جمعیت بوده است. امروزه با ورود مردم به دوره زندگی مدرن و آشنایی با آموزه‌های غربی، این موضوع مورد تردید و بی‌مهری بسیاری از خانواده‌ها قرار گرفته است. در جمهوری اسلامی ایران سیاست کنترل و محدود کردن جمعیت از سال ۱۳۶۸ از سوی نهادهای حاکمیتی برای برون‌رفت از مشکلات اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و تا سال‌های متمادی بدون توجه به عواقب سوء آن، اجرا شد. در سال‌های اخیر و با نمایان شدن خطرات جدی و جبران‌ناپذیر این سیاست، رهبر حکیم و فرزانه جمهوری اسلامی بیش از هرکس دیگر بر تجدیدنظر در این سیاست و بازگشت از آن تأکید کرده و عواقب سوء تداوم آن را گوشزد کرد. این فرمایشات که از سوی سکان‌دار نظام و ولی فقیه جامع‌الشرایط مطرح شده است علاوه بر پشتوانه فکری و کارشناسی، از مستندات فقهی و شرعی نیز بهره‌مند است که می‌تواند به مثابه سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران مبنای عمل قرار گیرد. مقاله حاضر با استناد به سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام، دیدگاه ایشان در زمینه جمعیت و تنظیم خانواده را با محورهای اساسی آن بیان کرده و با مراجعه به منابع فقهی و طرح و بررسی دیدگاه‌های مختلف در این زمینه مبنایی و مستندات فقهی این دیدگاه را تبیین کرده است.

**واژگان کلیدی:** تنظیم خانواده، فرزندآوری، تکثیر نسل، مبنای فقهی، حکم

حکومتی، مقام معظم رهبری علیه السلام، سبک زندگی.

---

۱. دانش‌پژوه سطح ۴ فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: sajida.2013@yahoo.com

۲. استادیار گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: m.borqhei@yahoo.com

## ۱. مقدمه

تنظیم خانواده در اصطلاح جمعیت‌شناسی عملی است آگاهانه و ارادی که هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه دارای هدف است. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۱۷۹) سیاست کنترل و محدود کردن جمعیت از سال ۱۳۶۸ در کشور ایران به دلایل مختلف مورد توجه مجاری قانون‌گذاری، اجرایی و بخش عمده تبلیغات کشور قرار گرفته است که باعث حرکت کشور به سمت کاهش جمعیت جوان در سال‌های آتی شده است. از آنجاکه این مسئله کشور ایران را در معرض خطرات جدی و جبران‌ناپذیری قرار داده است رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام طی سال‌های اخیر این مسئله را با جدیت به مسئولین و ملت ایران بارها گوشزد کرده و خطرات تحدید نسل و راهکارهای افزایش جمعیت را به مناسبت‌های گوناگون بیان کرده است. بیانات معظم‌له با تأکید بر ضرورت توقف سیاست کنترل جمعیت در بردارنده نکات مهمی در قالب دیدگاه ایشان در زمینه سیاست جمعیتی کشور است. طرح این دیدگاه از طرف ولی امر مسلمین و فقیه جامع‌الشرایط نمایان‌گر آن است که این اندیشه علاوه بر پشتوانه‌های علمی و کارشناسی بر ارزش‌ها و باورهای صحیح و محکم دینی نیز استوار بوده و نمی‌تواند بدون توجه به مبانی فقهی مطرح شده باشد. از این رو، تبیین این دیدگاه و استخراج مبانی و مستندات فقهی آن علاوه بر معرفی هرچه بهتر این نظریه به مثابه سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران، به تدوین قوانین لازم در این زمینه و ایجاد سازوکارهای اجرایی آن کمک شایانی می‌کند. با تأمل در بیانات مقام رهبری علیه‌السلام در حوزه جمعیت و خانواده، دیدگاه ایشان در زمینه جمعیت و تنظیم خانواده با سه محور اساسی معرفی می‌شود که عبارتند از: مطلوب بودن جمعیت متناسب؛ توجه به شاخصه‌های کیفی جمعیت؛ و اجتماعی بودن مسئله جمعیت و وظایف حاکمیت در این زمینه.

هدف نوشتار حاضر تبیین هر یک از این محورها با استناد به بیانات معظم‌له و پرداختن به مبانی و مستندات فقهی آن است. امید است در برهه حساس کنونی که زنگ‌های خطر در زمینه کاهش جمعیت و لطمه‌های جبران‌ناپذیر آن به صدا درآمده است نوشتار حاضر به تقویت و گسترش این اندیشه ناب و کارآمد، کمکی هرچند ناچیز کند.

## ۲. طرح نظریات جمعیت‌شناسی

قبل از تبیین سه محور دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در زمینه جمعیت و تنظیم خانواده لازم است نظریات موجود نسبت به سیاست جمعیت مطرح شود. در عصری که محدودیت منابع طبیعی و کمبود منابع غذایی جهان به همراه بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها رشد بی‌سابقه جمعیت را به فاجعه بزرگ و انفجاری غیرقابل کنترل تبدیل کرده است توصیه سیاستمداران و اقتصاددانان غربی به جای سامان‌بخشی به شیوه توزیع ثروت در جهان، توصیه به باروری کنترل شده است. آنها معتقدند که برای جلوگیری از فقر، گرانی، قانون‌شکنی، قتل، غارت، تجاوز، ناامنی و انواع مفسد و فتنه‌انگیزی به جان و مال افراد، به کنترل موالید و جلوگیری از زادوولد برنامه‌ریزی نشده با بهره‌گیری از روش‌های مدرن نیاز است. روش‌هایی که معرفی آنها به آحاد جامعه ضروری است. (طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۵۰) جمعیت‌شناسان، چهار نظریه مهم پیرامون جمعیت دارند که در انتها سیاست جمعیتی اسلام نیز در قالب نظریه پنجم بیان می‌شود.

### ۱-۲. موافقین افزایش جمعیت

این نظریه بیشتر در دوران قدیم طرفدارانی داشت و حامیان آن با توجه به اینکه قدرت يك قوم را به واسطه کثرت جمعیت آن می‌سنجیدند با تحدید نسل، مخالف و از افزایش جمعیت يك قوم یا يك کشور جانب‌داری می‌کردند. (نیک‌خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۴۴) طرفداران این نظریه با مطرح کردن اینکه امکانات کره زمین برای تغذیه تعداد بسیار زیادی به مراتب بیشتر از آنچه اکنون موجود است کافی به نظر می‌رسد به انتقاداتی از این دست بی‌توجه بودند (کتابی، ۱۳۶۴، ص ۲۳). برای مثال، یکی از مخالفین تقلیل جمعیت می‌گوید: «زمین قادر است با استفاده از تکنولوژی تا نه میلیارد انسان را تغذیه کند» (نیک‌خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۸). ریشه عمده این تفکر در فضای خاص گذشته تاریخ است که قدرت يك قوم را در کثرت جمعیت که به کثرت سپاه، نیروی کار، آبادانی و عظمت سیاسی و اقتصادی آن قوم می‌انجامید، تعریف می‌کردند. حقیقتی که در زمان خود مسلم بود و انکارنشده و هنوز در زمان حاضر، رنگ و بوی خود را از دست نداده است به گونه‌ای که جوامع، اقوام و پیروان

مذاهب به واسطه کثرت جمعیت، حوزه‌های قدرتمند دارند. شاید بتوان در این باره به آیه «و یمدکم بأموال و بنین» (نوح: ۱۲) استناد کرد که اولاد را درکنار اموال از مصادیق مدد الهی می‌داند.

## ۲-۲. مخالفین افزایش جمعیت

یکی از عقاید مطرح در قرن هجدهم و نوزدهم که موافقین بسیاری یافت و عمده تلاش خود را به نفی رابطه فقر و توزیع نابرابر ثروت معطوف کرد نظریه فردی انگلیسی به نام توماس رابرت مالتوس متولد ۱۷۶۶ بود که در گذر زمان توسط خود وی و طرفدارانش پرورده شد. وی به وضوح، فقر را ناشی از کثرت جمعیت می‌داند و مبارزه با فقر را در مخالفت با ازدیاد نسل منحصر می‌کند. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۷۱۷) وی همچنین معتقد است جامعه نباید به فقرا کمک کند تا در اثر سختی معیشت، صاحب فرزند کمتری شوند (ابی، ۱۳۶۴، ص ۹۲). اشکالات متعددی بر سخنان مالتوس وارد شده که در جای خود قابل بررسی است (تقوی، ۱۳۷۸، ص ۹۸). طبیعی است که خاستگاه عقیده مالتوس، حفظ نظام سرمایه‌داری و جلوگیری از روند سقوط این نظام است، البته در نگاه جهانی به مسئله باید گفت که بدون توجه به توزیع برابر و عادلانه ثروت، فقر جهانی با جلوگیری از کثرت جمعیت از بین نمی‌رود، هرچند روند شتابان فقر را کند می‌کند.

## ۲-۳. جمعیت ثابت

در این نظریه با کاهش و افزایش جمعیت مخالفت شده است. قائلین به این قول معتقد هستند که دگرگونی‌های جمعیت، نظام اجتماع را به هم می‌زند و باید جمعیت در اندازه موجود باقی بماند. جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳) از هواداران معروف این عقیده است که بر ثبات جمعیت تأکید می‌کند. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۱۷۹) افلاطون معتقد بود که جمعیت يك شهر باید در همان حد ۵۰۴۰ نفر باقی و ثابت بماند و در این مسیر تا آنجا سختگیری می‌کند که حتی در برخی صور به از بین بردن نوزادان حکم می‌کند (نیک خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۴۳).

## ۲-۴. جمعیت متناسب

براساس این مبنا، مطلوب‌ترین میزان تراکم جمعیتی که بتواند بیشترین محصول فردی را ایجاد کند حد کافی برای جمعیت شناخته می‌شود. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۱۷۹) ابن خلدون از موافقان این عقیده است (نیک خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۶). این عقیده آمیخته‌ای از نظریه‌های قبل است و در شرایط متفاوت، احکام متفاوتی صادر می‌کند. اگر در جامعه‌ای فقر شدیدی حاصل شد جمعیت کم می‌شود و اگر قدرت سیاسی قومی خاص به واسطه قلت جمعیت روبه ضعف نهاد، می‌توان حکم به تکثیر جمعیت داد. در این قول، کثرت و قلت اصالت ندارد و این دو تابع متغیرهای دیگری هستند. اگر این قول از منظر فقهی تفسیر شود کثرت و قلت جمعیت فاقد حکم مستقلاً هستند و با نام‌گذاری‌های دیگر، احکام شرعی مختلفی را شامل می‌شوند.

## ۲-۵. سیاست جمعیتی اسلام

شاید در نگاه اولیه، نظریه چهارم براساس عقیده اسلام شمرده شود، ولی به نظر می‌رسد نظریه‌ای که از منابع فقه شیعه استفاده می‌کند استحباب تکثیر جمعیت است. تولیدمثل و فرزند متعدد داشتن بدون در نظر گرفتن موانع دیگر از نظر اسلام پسندیده است و حکم اولیه از نظر اسلام، استحباب تکثیر جمعیت است. بنابراین، اگر نظریه اول یعنی، نظریه طرفداران افزایش جمعیت به‌گونه‌ای تفسیر شود که به معنای مطلوبیت ذاتی و اولی کثرت جمعیت باشد هرچند در هیچ دوره‌ای از تاریخ نسبت به این امر وجوبی در کار نبوده است، می‌توان مدعی شد که دیدگاه اسلام موافق با همان عقیده نخستین است.

## ۳. مطلوب بودن جمعیت متناسب و مبانی فقهی آن

در فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام مطلوب بودن جمعیت نمایان است آنجا که فرمود: «کشور ما یکی از نادرترین کشورها در زمینه‌های عمران و آبادانی است. ما اگر دوبرابر امروز هم جمعیت داشته باشیم باز هم می‌توانیم بدون کمترین نیازی به کشورهای دیگر، خود را به بهترین وجه اداره کنیم. من معتقد به کثرت جمعیتیم. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت

انجام بگیرد بعد از صدوپنجاه میلیون انجام بگیرد». (دیدار معظم له با برگزارکنندگان همایش ملی تغییرات جمعیتی و...، ۱۳۹۲/۸/۹)

### ۳-۱. روایاتی که بر مطلوب بودن تکثیر اولاد دلالت می‌کنند

- روایاتی که دلالت دارند هنگام ازدواج، زنی را انتخاب کنید که فرزند زیاد می‌آورد. برای مثال، صحیحه محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: تزوجوا بکرا ولودا و لاتزوجوا حسناء جمیلة عاقرا؛ فانی أباهی بکم الامم یوم القیامه؛ امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: با دختر باکره‌ای که فرزند زیاد می‌آورد ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فرزونی جمعیت شما در روز قیامت، بر امت‌ها مباحثات می‌کنم» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۳، ۵۸/۲۰). روشن است که تشویق به ازدواج با ولود و بیان علت آن یعنی، مباحثات به فرزونی جمعیت بر مطلوبیت فرزند زیاد دلالت دارد.

### ۳-۲. روایاتی که به ازدواج برای فرزندآوری تشویق می‌کنند

- صحیحه ابن رثاب عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «تزوجوا فانی مکاثر بکم الامم غدا فی القیامه؛ امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: ازدواج کنید؛ زیرا من در فردای قیامت به فرزونی شما بر امت‌ها افتخار می‌کنم». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳۸۳/۳)

روایتی که در کتاب خصال در حدیث چهارصدگانه از امام علی علیه السلام آمده است: «تزوجوا؛ فانی رسول الله کثیرا ما کان یقول: من کان یحب أن یتبع سنتی فلیتزوج. فانی من سنتی التزویج و اطلبوا الولد فانی اکاثر بکم الامم غدا؛ ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر بارها فرمود: کسی که دوستدار پیروی از سنت من است باید ازدواج کند. همانا ازدواج جزو سنت من است و در طلب فرزند باشید؛ زیرا من در فردای قیامت به فرزونی جمعیت شما بر امت‌ها تفاخر می‌کنم». (طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۳، ۸/۲۰) اطلاق «اطلبوا الولد» بر محبوبیت زیاد شدن فرزند دلالت دارد. علتی که در ذیل روایت بیان شده نیز بر مطلوبیت آن دلالت دارد.

### ۳-۳. روایاتی که برمطلوب بودن افزودن بر تعداد فرزندان دلالت می کند

- «عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن محمد بن مسلم عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أكثروا الولد أكثر بكم الامم غدا؛ امام صادق عليه السلام از پیامبر صلى الله عليه وآله نقل فرمود: بر تعداد فرزندان بیفزایید؛ زیرا من در روز قیامت به فزونی شما بر امت ها تفاخر می کنم». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶)

- «عن عدة من أصحابنا عن احمد بن محمد عن بعض أصحابه إنه قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: من سعادة الرجل أن يكون له ولد يستعين بهم؛ امام سجاد عليه السلام فرمود: از سعادت مرد، داشتن فرزندانی است که از آنها یاری جوید». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶)

- «عن عدة من أصحابنا عن بكر بن صالح قال: كتبت إلى أبي الحسن عليه السلام: إني اجتنبت طلب الولد منذ خمس سنين و ذلك أن أهلي كرهت ذلك وقالت: إنه يشتد على تربيتهم لقلّة الشيء فماترى؟ فكتب عليه السلام إلي: اطلب الولد فإن الله يرزقهم؛ از امام کاظم عليه السلام در نامه ای پرسیدم: پنج سال است که از بچه دار شدن اجتناب می کنم؛ زیرا همسر من از این کار ناخشنود است و می گوید: برای من تربیت و نگهداری فرزند با کمبود مالی مشکل است. شما چه می فرمایید؟ امام عليه السلام در پاسخ نوشت: در پی فرزند دار شدن باش؛ زیرا روزی او را خدا می دهد». (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۶).

این نکته در بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام به وضوح دیده می شود: «همچنان که ما فکر می کنیم که اگر چهار پنج بچه افتاد روی دوش يك خانواده وضع زندگیشان چگونه خواهد شد فکر این را هم بکنید که این چهار پنج بچه وقتی بزرگ شدند و کاری پیدا کردند و شغلی پیدا کردند چه کمکی می توانند به پیشرفت کشور بکنند؛ یعنی این را هم باید فکر کرد». (دیدار معظم له با برگزارکنندگان همایش ملی تغییرات جمعیتی و...، ۱۳۹۲/۸/۹) از روایات پیشین، استحباب داشتن فرزند و افزایش نسل به دست می آید نه وجوب آن. شاهد بر این مدعا، تعلیل رسول اکرم صلى الله عليه وآله است که فرمود: «بأنى أباهى وأكثر يوم القيامة» و تعلیل به آکنده شدن زمین از تسبیح و مانند این جملات که از آنها تنها محبوبیت و استحباب استفاده می شود. از روایات جواز عزل مانند صحیح محمد بن مسلم قال: «سألت أبا عبد الله عن العزل - فقال ذاك إلى الرجل يصرفه حيث شاء؛ از امام

صادق علیه السلام درباره عزل پرسیدم، امام فرمود: اختیار آن به دست مرد است. هر جا که بخواهد، می‌تواند آن را بریزد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۴۹/۲۰). از روایات دیگری از این قبیل که مطلق عزل را جایز دانسته‌اند این نتیجه به دست می‌آید که جایز است انسان به طور کلی از داشتن فرزند خودداری کند چه رسد به جایی که عزل، سبب کم شدن فرزند شود (خرازی، ۱۳۷۹، ۵۴/۲۱).

#### ۴. توجه به شاخصه‌های کیفی جمعیت و مبانی فقهی آن

رهبر انقلاب برکت‌الله می‌فرماید: «من این را همین جا عرض بکنم؛ جمعیت جوان و بانشاط و تحصیل کرده و باسواد کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهایی که داده می‌شود نقش جوان‌های تحصیل کرده و آگاه و پرنشاط و پرنیرو را می‌بینید. ما باید در سیاست تحدید نسل تجدید نظر کنیم». (بیانات معظم‌له در جمع مسئولان نظام، تابستان ۱۳۹۱) از مباحث پیشین این نتیجه به دست آمد که حکم اولیه اسلام در مورد تنظیم خانواده، استحباب و مطلوب بودن داشتن جمعیت زیاد است که جنبه کیفی آن مدنظر اسلام بوده است و اگر شاخصه کیفی منظور نباشد، بعید است که تکثیر اولاد مستحب باشد. بنابراین، آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن توصیه کرد تکثیر فرزندان شایسته و نیکوست. بی‌شک، توجه به کیفیت و ابعاد روحی و جسمی فرزندان موجب محدودیت‌هایی در تولیدمثل می‌شود. اگر نشانه‌های اطمینان بخشی وجود داشته باشد که وجود فرزندان زیاد موجب در حرج قرار گرفتن والدین و نابسامانی زندگی آنها یا بازماندن از امور معنوی به دلیل اشتغال بیش از حد به امور فرزندان می‌شود کثرت فرزندان رجحانی نخواهد داشت. بنابراین، نظر اسلام، مطلوب بودن افزایش جمعیت و جمعیت برخوردار از ویژگی‌ها و کمالات جسمی، فکری و معنوی است نه جمعیت فاقد این ویژگی و شاخص‌ها.

#### ۴-۱. توجه به سلامت جسمی

دین اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در ترغیب افراد به افزایش جمعیت و داشتن فرزندان شایسته و نیکو توصیه کرده است. بی‌شک، توجه به کیفیت و ابعاد جسمی فرزندان موجب محدودیت‌هایی در تولیدمثل می‌شود. اگر نشانه‌های اطمینان بخشی وجود داشته باشد که بارداری موجب در حرج قرار گرفتن

والدین و ضرر به آنها و فرزندان شود دیگر تکثیر ولد رجحانی نخواهد داشت. از روایات باب رضاع این نتیجه به دست می‌آید که حمل در زمان رضاع منع شده تا فرزندان ضعیف بار نیابند.

«عن أبي الصباح الكناني عن أبي عبدالله عليه السلام قال: سألته عن قول الله عز وجل - لا تضار والدة بولدها فقال كانت المراضع مما يدفع إحداهن الرجل إذا أراد الجماع تقول لا أدعك إنني أخاف أن أحبل فأقتل ولدى هذا الذي أرضعه؛ از تفسیر آیه لا تضار والدة بولدها از امام صادق عليه السلام سؤال شد. حضرت جواب داد: زنان شیرده از جماع با همسران ممانعت می‌کردند و می‌گفتند، می‌ترسیم باردار شویم و با این کار باعث کشتن فرزند شیرخوار خود شویم». (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۱/۶)

«عن الحلبي عن أبي عبدالله عليه السلام نحوه و زاد و أما قوله و على الوارث مثل ذلك فإنه نهى أن يضار بالصبي أو يضار أمه في رضاعه؛ در پاسخ سؤال از تفسیر آیه امام صادق عليه السلام همان مطالب فوق فرمود و اضافه کرد و اما قول پروردگار. و على الوارث مثل ذلك؛ همانا خدای متعال نهی کرد که فرزند شیرخوار متحمل ضرر شود یا اینکه مادر او درحالت شیر دادن به او متضرر گردد». (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۱/۶)

#### ۲-۴. توجه به تعلیم و تربیت

وظایف پدر و مادر، تربیت صحیح فرزندان است که روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «رحم الله عبدا أعان ولده على بره بالإحسان إليه و التآلف له و تعليمه و تأديبه؛ رحمت خدا بر کسی باد که در احسان و محبت به فرزند خود کوشا باشد و به او آداب خوب و نیک بیاموزد». (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۶۹/۱۵)

- «و أما حق ولدك فأن تعلم أنه منك و أنك مسئول عما وليته من حسن الأدب و الدلالة على ربه عزوجل و المعونة على طاعته فاعمل في أمره....؛ و اما حق فرزند تو، پس بدانی که او از توست و امتداد وجود توست و تو مسئول هستی بر آنچه متولی آن نسبت به فرزندت قرار داده شدی و وظیفه تو این است که او را خوب تأدیب کنی و به خدا راهنمایی بکنی که ادب بیشتر به رفتارهای اجتماعی برمی‌گردد... به امور معنوی و روحی و دینی خاص برمی‌گردد». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۷۵/۱۵)

این روایت مربوط به تعلم است و حسن تأدیب و دلالت و معونه علی طاعت رب و احسان که وظایفی است بر دوش پدر، البته الغاء خصوصیت می‌شود و مادر هم همین حکم را دارد.

#### ۳-۴. توجه به معنویت

معیار در کثرت اموال و موالید از دیدگاه دینی آن است که اموال و فرزندان باید در حدی باشد که فکر و ذهن انسان را تا آنجا به خود مشغول نسازد که از دیگر امور مهم زندگی که در رأس آنها عبادت و اطاعت الهی و امور معنوی و اخروی است بازماند. مطلوب نبودن تکثیر موالید در صورت بازماندن از امور معنوی از برخی روایات برداشت می‌شود که اگر وجود فرزندان زیاد باعث شود انسان از امور معنوی بازماند و از یاد خدا غافل شود دیگر کثرت موالید استحبابی ندارد. بنابراین، نمی‌توان گفت که زیادی فرزند به طور مطلق پسندیده است. اینکه برخی روایات به ناپسندی زیادی فرزند اشاره دارند تأکیدی بر همین نکته است. در کافی آمده است: «پیامبر ﷺ با جمعی از جایی عبور می‌کرد. گرسنه بود و از کسی تقاضا کرد از پستان حیواناتشان شیر بدوشد، اما صاحب حیوانات شیر نداد. پیغمبر ﷺ فرمود: خدایا مال و فرزندان را زیاد کن و از آنجا رفت و به شخص دیگری رسید. او مقداری شیر دوشید و آورد. پیغمبر ﷺ فرمود: خدایا! او را به قدر کفاف روزی ده. سؤال کردند برای اولی که به شما شیر نداد آن گونه دعا کردی و برای دومی که به شما شیر داد این گونه دعا کردی. پیامبر فرمود: اگر مال و فرزند کم باشد بهتر از آن است که زیاد باشد و انسان را از یاد خدا بازدارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۳۶۳).

شاید بهترین توجیه این حدیث آن است که مال و فرزند زیاد اگر باعث غفلت انسان از یاد خدا شود، مطلوب نیست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تلهمکم أموالکم و لا اولادکم عن ذکرالله و من یفعل ذلك فأولئک هم الخاسرون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مباد! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کنند و هرکس چنین کند، پس آنها همان زیان‌کارانند» (منافقون: ۹). در روایت آمده است: قال رسول الله ﷺ: «یوشک أن تداعی علیکم الأمم من کل أفق کما تتداعی الأکلة علی قصعتها، قلنا: من قلة بنا یومئذ؟ قال: لا، أنتم یومئذ کثیر، ولکنکم غثاء کغثاء السیل، ینزع الله المهابة من قلوب عدوکم و یجعل فی قلوبکم الوهن، قیل: و ما الوهن؟ قال: حب الحیاة

و کراهیه الموت؛ نزدیک است که مسلمانان شما را مانند دعوت طعام خوران یک تبق دعوت نمایند برای تاراج کردن. کسی پرسید: این از جهت کم بودن ماست؟ حضرت فرمود: نه بلکه در آن روز بسیاری ولیکن مثل خاشاک بالای سیل پراکنده می‌باشید. خداوند خوف شما را از دل‌های دشمنان بر می‌دارد و در دل‌های شما ضعف می‌اندازد. پرسیدند و هن چیست؟ حضرت فرمود: حب دنیا و بد دیدن مرگ» (ابن طاووس، ۱۳۸۰، ص ۳۷۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۱۸، ۱۲۰/۲).

### ۵. اجتماعی بودن مسئله جمعیت و وظایف حاکمیت در این زمینه

مبحث جمعیت هم جنبه فردی دارد مانند تربیت، نفقه و هم جنبه اجتماعی مانند اشتغال، بهداشت، امنیت و تحصیل. این مسئله در بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام به وضوح نمایان است آنجا که می‌فرماید: «فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم با عدم دقت‌هایی که از ماها سر زده یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم می‌بینیم که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد از همان چیزهایی است که اثرش بعدا ظاهر خواهد شد. وقتی هم اثرش ظاهر شد آن روز دیگر قابل علاج نیست، اما امروز چرا، امروز قابل علاج است. ما نمی‌خواهیم این حل بشود، گره‌های ذهنی که وجود دارد باز بشود، حقیقت قضیه روشن بشود. فرهنگ‌سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی حرف اول را می‌زند. باید فرهنگ‌سازی بشود که متأسفانه امروز این فرهنگ‌سازی نیست، تعطیل است. بایستی از امکاناتی که در کشور وجود دارد، استفاده کنید. فکر را در کشور بگسترانید. (دیدار معظم‌له با برگزارکنندگان همایش ملی تغییرات جمعیتی و...، ۱۳۹۲/۸/۹).

براساس فرمایش معظم‌له، حاکمیت وظیفه دارد شرایط و بستر مناسب را برای تحقق احکام اسلامی فراهم کند و در مواضع خاص با اتخاذ تصمیم مناسب، جلوی خسارت اجتماعی را بگیرد.

### ۶. گستره حکم حکومتی در تنظیم خانواده

مسئله جمعیت مسئله شخصی و خانوادگی نیست، بلکه تأثیرات اجتماعی نیز دارد. بنابراین، حاکم می‌تواند باتوجه به محدوده مصالح اجتماعی در این مسئله دخالت کند. وظیفه حاکم اسلامی در

مورد جمعیت در درجه اول، زمینه‌سازی اجرای احکام اسلامی و فراهم کردن امکانات لازم برای تربیت آحاد افراد جامعه است؛ زیرا براساس فرمایش مقام رهبری دامت برکاته، بسیاری از مشکلات ناشی از سبک غلط زندگی است نه کمبودهای اقتصادی. در مرحله بعد، وظایف حاکم دخالت در موارد خاص براساس مصلحت جامعه و جعل قوانین برای تقلیل یا تکثیر جمعیت است. بنابراین، ولی امر مسلمین می‌تواند سلسله تصمیماتی برحسب مصلحت وقت بگیرد و براساس آنها مقرراتی وضع و اجرا کند. مقررات نامبرده لازم‌الاجرا و مانند مقررات شریعت معتبر است با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیرقابل تغییر است، ولی مقررات موضوع، قابل تغییر و در ثبات و در بقای تابع مصلحتی است که آنها را به وجود آورده است. (طباطبایی، ۱۳۴۱، ص ۹۸)

تقلیل و تکثیر نسل امری است که برای هریک از زوجین رواست، اما وادار کردن هرکدام و یا هردوی آنها بر آن، نوعی تجاوز به حق مسلم آنهاست و کسی حق ندارد بدان کار مجبورشان کند. این سخن ازسوی غیرحاکم شرع روشن است. (مؤمن قمی، ۱۳۷۶، ۱۲۷/۹) اینکه آیا حاکم شرع می‌تواند مردم را به تنظیم خانواده ملزم کند یا نه باید گفت که حاکم شرع این حق را دارد؛ زیرا مقصود از حاکم شرع، فقیهی است که خداوند ولایت امر امت اسلامی را در زمان غیبت ولی‌الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف به او سپرده و در جای خود ثابت شده است که استواری دولت اسلامی به درایت و رهبری آن بستگی دارد. امتیاز حکومت اسلامی بر سایر حکومت‌ها آن است که خداوند کسی را در رأس هرم این حکومت نشانده که ویژگی‌های مشخصی دارد و زمام امور امت را به دست او سپرده و وی را ولی و سرپرست آنها کرده است. این حقیقت در آیه: «إنما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا؛ جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنان» (مائده: ۵۵) و نیز سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر که فرمود: «من کنت مولاه فان علیا مولاه؛ هرکس من مولا و سرپرست اویم، علی مولا و سرپرست اوست» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ۶۵/۱) و دیگر آیات و روایات گواهی شده است.

آیات و روایات، استواری حکومت اسلامی را در چارچوب ولایت ولی امر و امام امت می‌داند که در هنگام حضور امام معصوم علیه السلام شخص او برعهده‌گیرنده این امر خواهد بود و نه کسی دیگر، مگر فردی که ایشان او را برگزیده و ولی خوانده باشد، اما در زمان غیبت، این ولایت از آن فقیه

جامع الشرايط و به ویژه کسی است که مدیریت جامعه اسلامی را برعهده دارد و معنای ولایت فقیه نیز همین است. لازمه ولایت يك فرد بر دیگری آن است که هرگاه ولی امر به اقتضای ولایت خود بر چیزی فرمان صادر کند دیگری هیچ اختیاری از خود نداشته باشد؛ خواه فرد باشد یا امت و جامعه باید فرمان او بی کم و کاست شنیده و پیاده شود: «و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضی الله ورسوله أمراً أن یکون لهم الخیرة من أمرهم؛ هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و پیامبرش در کاری حکم کردند آنها را در کارشان اختیاری باشد» (احزاب: ۳۶). امام خمینی رحمته الله علیه فرمود: «مصلحت حفظ دین را قاعده‌ای زیربنایی در فقه سیاسی و حکومتی اسلام مطرح کردند که به عنوان يك واجب عقلی و ضرورت شرعی بی نیاز از دلیل است و تردید در آن شایسته است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۴۶۴/۲).

حفظ نظام اسلامی و پاسداری از حریم دین از واضح ترین مصادیق «ما لایرضی الشارع بترکه» است. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۴۹۷/۲) هرگاه ولی امر مسلمین تشخیص دهد که صلاح جامعه در این است که زادوولد تنظیم شود یا توصیه به قلت یا کثرت است یا هرگاه فرزند کمتر داشتن بهتر باشد، ولی امر مسلمین در این مورد دستور صادر می کند که هر یک از خانواده ها باید تعداد خاصی فرزند داشته باشند. همچنین هرگاه در برهه ای، مصلحت و نیاز جامعه به افزایش جمعیت باشد دستوری براساس آن صادر کرده و زوجین را به فرزندزایی و باروری بیشتر ترغیب می کند و بر امت و جامعه اسلامی است که از این فرمان پیروی کنند. در عصر کنونی با توجه به روند پرشتاب سیاست کنترل جمعیت در ایران و تأثیر گوناگون ناشی از اعمال این سیاست در عرصه های مختلف، رهبر معظم انقلاب علیه السلام از سال ۱۳۹۰ به طور جدی توقف سیاست کنترل جمعیت را خواستار شده و به صراحت اعلام کرده است که سیاست کشور باید بر ازدیاد جمعیت مستقر شود. «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می تواند صدوپنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتیم. هر اقدام و تدبیری که می خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد بعد از صدوپنجاه میلیون انجام بگیرد» (دیدار معظم له با مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، رمضان سال ۱۳۹۱). در تابستان ۱۳۹۱ رهبر انقلاب علیه السلام بار دیگر در جمع مسئولان نظام به مبحث

افزایش جمعیت اشاره می‌کند. «جمعیت جوان و بانشاط و تحصیل کرده کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است. ما باید در سیاست تحدید نسل تجدید نظر کنیم. ما در سال ۱۳۷۱ به همان مقاصد که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۱۳۷۱ به این طرف باید سیاست را تغییر می‌دادیم، خطا کردیم. تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود» (دیدار معظم‌له با مسئولان نظام، رمضان سال ۱۳۹۱).

## ۷. نتیجه‌گیری

از مجموع روایات و ادله شرعیه این نتیجه به دست می‌آید که دین اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نسبت به تکثیر اولاد در همه زمان‌ها اهتمام داشته و چنین نبوده که این اهتمام مختص به زمانی باشد که مسلمانان در قلت باشند؛ زیرا تعابیر وارده در روایات در قالب يك قضیه حقیقیه و سیاست دائمی و همیشگی دین مطرح است. بنابراین، از نظر حکم اولی، تکثیر اولاد و ازدیاد نسل امری است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهرین علیهم‌السلام به آن سفارش فراوانی کرده و آن را از مستحبات مؤکد می‌دانند. حکم اولی باید در جامعه اجرا شود و حکومت اسلامی و یا ولی فقیه موظف هستند حکم اولیه را در جامعه تبلیغ و تا سرحد امکان احکام اولیه را اجرا و جامعه را به این امر تشویق و ترغیب کنند. مگر اینکه حکم اولیه با حکم دیگری تراحم کند. ولی فقیه وظیفه دارد مهم رافدای مهم کند و از باب تقدیم مهم بر مهم که هنگام تراحم اجرا می‌شود از اجرای حکم اولیه موقت ممانعت کند تا مانع برطرف شود. در عصر کنونی باتوجه به روند پرشتاب سیاست کنترل جمعیت در ایران و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از اعمال این سیاست و باتوجه به فرمایشات مقام معظم رهبری علیه‌السلام و اشارات و تأکیدات ایشان بر موضوع جمعیت این نتایج به دست می‌آید:

● معظم‌له معتقد است که کشور ایران به طور طبیعی و جغرافیایی ظرفیت و پذیرش جمعیت بیشتر را دارد؛

● سیاست کنترل جمعیت به دلایل مختلف در بازه‌ای از تاریخ ایران ضروری بوده است؛

- سیاست کنترل جمعیت باید از اوایل دهه هفتاد بازنگری و حتی متوقف می‌شد؛
- جمعیت جوان و برخورداری کشور از يك نمای جوان و پرنشاط، یکی از مهمترین شاخص‌ها و سرمایه‌های يك کشور است که می‌تواند حرکت و پیشرفت کشور را سرعت بخشد؛
- کاهش جمعیت جوان کشور، آسیبی جدی است؛
- مهمترین راهکار علاج وضعیت کنونی، فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای فرهنگی است.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۷۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات امیرالمؤمنین.
۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۰). الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر علیه السلام. قم: الشریف الرضی.
  ۲. بهنام، جمشید (۱۳۴۱). جمعیت‌شناسی عمومی. تهران: دانشگاه تهران.
  ۳. تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۸). جمعیت و تنظیم خانواده. تبریز: جامعه پژوهش دانیال.
  ۴. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن محمد (۱۴۱۸). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
  ۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
  ۶. خرازی، محسن (۱۳۷۹). عقیم‌سازی. قم: مجله فقه اهل بیت علیهم السلام.
  ۷. طباطبایی بروجردی، حسین (۱۳۸۳). جامع احادیث الشیعه. قم: المطبعه العلمیه.
  ۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۴۱). مرجعیت و روحانیت. تهران: شرکت سهامی انتشار.
  ۹. طلعتی، محمدهادی (۱۳۸۳). رشد جمعیت تنظیم خانواده و سقط جنین. قم: بوستان کتاب.
  ۱۰. قمی صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
  ۱۱. قمی صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
  ۱۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
  ۱۳. کتابی، احمد (۱۳۶۴). نظریات جمعیت‌شناسی. تهران: اقبال.
  ۱۴. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). کتاب البیع. قم: اسماعیلیان.
  ۱۵. مؤمن قمی، محمد (۱۳۷۶). سخنی در تنظیم خانواده ۲. نشریه فقه اهل بیت علیهم السلام، (۹)، ۱۱۲-۱۳۵.
  ۱۶. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
  ۱۷. نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۴). مبانی جمعیت‌شناسی. گناباد: مرندیز.